

آداب حمام رفتن

در گرم خانه حمام آب‌گیری وجود داشت که به مخزنی از آب گرم متصل بود و در کنارش پارچی یا تاسی وجود داشت که از آن آب گرم و تمیز برداشت کرده و بر سر و روی مشتریان می‌ریختند. در سوی دیگر این گرم‌خانه، جایی برای نوره کشیدن و رفع موهای زائد بدن وجود داشت. عملی که موجب ضدعفونی پوست و برطرف کردن قارچ‌های آن می‌گردد. در صحن داخلی حمام می‌توانستی گروهی دلاک و کیسه کش را ببینی که در حال کیسه کشیدن مشتریان خود بودند. معمولاً هر دلاک مشتریان ویژه خود را داشت و مثل سلمانی‌ها از گوشه‌های ناگفتنی زندگی مشتریان خود باخبر بود. همه آن‌ها از تاسی (ظرف ویژه حمام) برای استفاده و حمل آب گرم و تمیز و ریختن آن بر روی مشتریان خود استفاده می‌کردند.

برای کسبه‌کشی، هر دلاک از چند نوع کیسه پشمی که عموماً ساخت بافنده‌های قزوینی بودند. استفاده می‌کرد. او از ماده‌ای به نام سفید آب برای کیسه‌کشی و رفع چرک‌های پوست استفاده می‌کرد. در فاصله کیسه‌کشی تا لیف و صابون کشی از سنگ‌پا برای زدودن چرک‌های سخت کف پا بهره می‌بردند. این کار را معمولاً هر مشتری خود انجام می‌داد. از دیگر کارهایی که تا پیش از لیف کشی انجام می‌شد، می‌توان به حنابندی (از حناء، هم برای مقابله با امراض پوستی و اهداف بهداشتی و هم برای زیبایی استفاده می‌کردند)، تراشیدن موهای زیربغل و سینه اشاره کرد. در ضمن چه در داخل حمام و چه در سربنیه (مکان توزیع لباس) آن، گروهی که علاقه‌مند به مشست و مال بودند، از دلاک می‌خواستند که آن‌ها را مشست و مال دهد. برخی از دلاک‌های تهران در این کار استاد بودند و مشهور.

سرنجام، مشتری به زیر دوش می‌رفت و پس از انجام شستشوی نهایی، با اعلام خشک به اهل سربنیه اعلام می‌کرد که آماده بیرون آمدن از حمام است.

این عمل خود عالمی داشت. خشک

بیار نیز با

حوله فرد مربوطه وارد حمام می‌شد و او را از حمام خارج و به سربنیه وارد می‌کرد، تا مشتری لباس‌های تمیز خود را بپوشد و از حمام خارج شود.

در دوران دبیرستان آن‌گاه که ریشمان تازه برآمده و بلوغ بر صورتان سبز شده بود و شب‌ها از رویایی تازه روییده حیران از خواب برمی‌خاستیم، فرصت‌هایی پدید می‌آمدند تا سرکی به حمام قدیمی محل بزنیم و چند ساعتی پاکی و شفافی بدن را بهانه‌ای برای گفت‌وگو با دوستان آن دوره کرده و دمی را با سرخوشی بگذرانیم. و گه‌گاه نیز چند متلک آبدار از دلاک و سربنیه‌چی حمام بشنویم.

در آن زمان‌ها هنوز هم دوران کودکی و ساعتی که با مادرمان به حمام زنانه می‌رفتیم، در خاطرمان زنده بود. فضایی سرشار از گفت‌وگوهای پایان‌ناپذیر با جیغ‌هایی که در فضای شلوغ در پژواک حمام می‌پیچید و گوش را کر می‌کرد. با بالا رفتن سن به تدریج جریان حمام رفتن ما از مادر به پدر محول شد. ورود به حمام مردانه حال و فضای دیگری داشت. در مقابل آن فضای سرسام آور جیغ‌ها و متلک‌ها، سکوت خاصی بر آن حاکم بود. سکوتی که گه‌گاه با زمزمه مکالمه‌ای آرام یا با صدای کسی که فریاد می‌زد، خشک! قطع می‌شد. جریان بلوغ که آمد ظهور حس مردانگی و تمایل به اینکه مرا هم در خانه مستقل بدانند. موجب تغییر ماجرای حمام رفتن من هم شد. این بار این دوستان محله بودند که همراهشان می‌شدم. حمام این بار دیگر تنها حمام نبود. مکانی برای گذراندن اوقات فراغت جوانی بود و گفت‌وگوهای آن‌چنانی و عشق‌های ناگهانی و حسرت از دست رفته‌ها.

اواخر دهه ۱۳۰۰ شمسی، انرژی لازم برای حمام‌های تهران از طریق سوزاندن برگ درخت‌های چنار تهران که در فصل پاییز جمع می‌شدند تامین می‌شد. جریان از این قرار بود که در اواخر فصل پاییز کارگرانی به باغ‌ها می‌رفتند و با رومی حدود دو ریال تمام برگ‌های به زمین ریخته را خریداری می‌کردند. بعد هم تا مدتی کوتاه زغال سنگ این نقش را بازی می‌کرد. تا سوخت گازوئیل و نفت سیاه وارد میدان شدند.

حمام‌های عمومی تهران قدیم در زمان‌های خاص زنان یا مردانه می‌شدند. نشان مردانه شدن حمام "لنگی" بود که آن را می‌تابیدند و به صورت دو لا به چفت در ورودی حمام آویزان می‌کردند. پسر بچه‌ها از شش-هفت سالگی به بعد حق ورود به حمام عمومی زنانه را نداشتند.

قصه حمام رفتن گذشتگان:

هنگامی که زمان حمام شخصی فرا می‌رسید، اگر زن بود، در ابتدا وسایل و خوراکی‌هایی چند آماده می‌شدند. از وسایل حمام آن‌ها، می‌توان به؛ قطیفه، حوله لنگه، سوزنی، سنگ‌پا، لیف، کیسه، صابون، روشور، تاس و مشربه اشاره کرد. از خوراکی‌هایی که با خود به حمام می‌بردند، نیز می‌توان به انار، انگور یا میوه‌های دیگر و تنقلاتی نظیر باقالا پخته و به همراه گلپر و نمک و گاه نیز انواع شربت‌ها و فالوده‌های آن‌ها همراه با خیار و میوه‌های دیگر خرد شده اشاره کرد. این میوه‌جات و خوراکی‌ها بیشتر در فاصله میان کیسه‌کشی و لیف و صابون کشی بعدی مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

Photo by: Behzad Torkizadeh